

حیات اجتماعی شیراز عصر فتحعلی شاه قاجار به روایت وارینگ

¹ سیمین فصیحی

² صفورا طیبی

چکیده

دوره حکومت قاجاریه (1304_1175ش / 1925_1795م)، ایران به دلیل موقعیت مهم جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی‌اش، در کانون توجه و رقابت میان قدرت‌های بزرگ اروپایی قرار گرفت و گروه‌های مختلفی از آنان در قالب مامورین و مسافرین خارجی با اهداف و انگیزه‌های گوناگون به ایران سفر کردند. حیات اجتماعی شیراز از جمله مواردی است که در کانون توجه این سفرنامه‌نویسان قرار گرفته است. ادوارد اسکات وارینگ، از سفرنامه‌نویسانی است که در دوره فتحعلی شاه قاجار به ایران و شیراز سفر کرد. این پژوهش در صدد بررسی بازتاب حیات اجتماعی شهر شیراز در سفرنامه وارینگ است. این مقاله با روشی تحلیلی به بررسی روایت‌های این مسافر انگلیسی و همچنین بر مبنای اهداف و انگیزه‌های این سفرنامه‌نویس، نوع پایگاه اجتماعی، شغل و ماموریت وی در شیراز عصر قاجار، خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: قاجاریه، شیراز، حیات اجتماعی، ادوارد اسکات وارینگ.

A Survey of the Social Life of Shiraz in Qajar Era Based on the Travel Writers' Accounts Edward Scott Waring

³ simin fasihi

⁴ Safoura tayebi

abstract

Qajar period, (1304 - 1175 W / 1925 - 1796 AD), along with major changes in political, economic and social development in Europe in the 19th century and colonial forces in the contemporary world. Among the passengers, other than English and European governments, for various reasons, political, and commercial English travel writing, the result of his studies and observations of Shiraz in the form of extensive information on their travels are recorded. Shiraz life, including cases in which the focus has been on this journey of writing. One travel writer, Edward Scott Waring in the period of Fath Ali Shah Qajar traveled to Iran and Shiraz. His itinerary is very interesting and important information about the city, especially the social situation in the city. This study seeks to answer the question of social life in the city Scott Waring English travel narratives of the early nineteenth century, and Shah Fthly how government is reflected. In this paper an analytical method to investigate the stories of the passengers and also based on the goals and motives of the English travel writer, a kind of social status, occupation, and his mission in Shiraz during the Qajar era, will be addressed.

keywords: Qajar, Shiraz, Social life, Edward Scott Waring.

1. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (س)

2. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه الزهراء (س)

³ Assistant Professor Of Alzahra University. E - Mail: fasihis@gmail.com

⁴ MA Student of the History of Islamic Iran, Alzahra University. E - Mail:

tayebi.sofiya@gmail.com

مقدمه

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی‌اش همواره کانون توجه و رقابت میان قدرت‌های بزرگ اروپایی بوده است و در نتیجه گروه‌های سیاسی و نظامی و به دنبال آن‌ها مسافران خارجی راه ایران در پیش گرفتند. این مسافران و جهانگردان ایران را عرصه گردش و تحقیق خویش قرار دادند و بدین ترتیب در این قرن زمینه بررسی‌های جغرافیایی، باستان‌شناسی، فرهنگی و ادبی در ایران فراهم شد. در دوره قاجاریه، دولت‌های اروپایی به منظور شناخت ملل شرقی و از جمله ایران، به اطلاعات و دانش بیشتری نیاز داشتند، و این ضرورت را شرق‌شناسی برطرف می‌نمود و این امر سبب شد که گروهی از دانش‌پژوهان به وجود آیند تا برای مطالعه در زمینه‌های گوناگون علمی روانه کشورهای مشرق زمین شوند؛ بر همین اساس تعداد زیادی از ترجمه‌ها، فرهنگ‌ها و سفرنامه‌ها که بیانگر ویژگی‌های کشورهای مشرق شرق بودند، به منظور افزایش دانش اروپائیان تدوین شد. از این روی در دوران قاجار، با شمار بسیار زیادی از سفرنامه‌ها روبه‌رو هستیم که دارای آگاهی‌ها و یافته‌های نایاب و ارزشمندی از بخش‌های مختلف و اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی ایران است. این مسافران، در قالب گروه‌های گوناگونی همچون ماموران نظامی، سیاسی، بازرگان، باستان‌شناس، مبلغ دینی، سیاح و شرق‌شناس به ایران عصر قاجار قدم نهادند.

شهر شیراز که همواره به دلیل قدمت تاریخی و تمدنی‌اش مشهور بوده و مورد بازدید افراد گوناگون و ملیت‌های مختلف در تمامی دوره‌ها بوده، در عصر قاجاریه نیز مورد توجه و بازدید ملل گوناگون و به‌ویژه بریتانیایی‌ها قرار گرفت. در واقع شهر شیراز به دلیل قدمت تاریخی و فرهنگی خود همواره مورد توجه سفرنامه‌نویسان خارجی در دوره‌های مختلف بوده است؛ به ویژه در دوره قاجار که افراد زیادی به ایران سفر کردند و تقریباً همه آن‌ها اطلاعات ارزشمندی را از شیراز ثبت نمودند؛ به همین دلیل سفرنامه‌هایی که از این افراد بر جای مانده، به دلیل محتوای اجتماعی و فرهنگی خود از اهمیت بسیاری برخوردار هستند.

عصر قاجار یکی از غنی‌ترین دوره‌های تاریخ ایران از نظر تعداد سفرنامه‌هاست. سفرنامه‌ها و شرح خاطراتی که از این سیاحان بر جای مانده، به عنوان بخشی از اسناد و منابع معتبر تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران به شمار می‌آید. در این پژوهش به بررسی حیات اجتماعی شیراز از منظر سفرنامه‌آورد اسکات و ارینگ خواهیم پرداخت. درباره این موضوع تا به امروز به صورت مشخص در قالب یک کتاب یا پایان‌نامه یا حتی مقاله، کاری صورت نگرفته است، اما در مورد وضعیت اجتماعی شهر شیراز

یا معرفی سفرنامه‌ها و سفرنامه‌نویسانی که در ارتباط با شیراز این دوره مطالبی را ذکر کرده‌اند، به طور مختصر و پراکنده در کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات اشاره شده است.¹

ایران عصر قاجار و زمینه گسترش شرق شناسی

عصر قاجار، یکی از شگفت‌انگیزترین دوره‌های تاریخ ایران است، زیرا تحولات مختلف، دگرگونی‌های سیاسی و تغییرات اجتماعی که در قرن 13 و 14 ه.ق، بر کشور گذشت، ویژگی خاصی به ساخت اجتماعی ایران عصر قاجار داد. در این دوره که همزمان با تحولات و پیشرفت‌های مهم در صنعت، علم و تکنولوژی در اروپاست، ایران به دلیل هرج و مرج، ظلم و ستم پادشاهان از یک‌سو و آغاز رقابت سیاسی قدرتهای بزرگ اروپایی، با اروپا فاصله بسیاری پیدا کرد. دوران فرمانروایی سلسله قاجار (1796-1925 م / 1304-1175 ش)، شاهد تغییرات مهمی در ایران بود، به ویژه آن‌که یک حکومت مرکزی پایدار دوباره بنیاد نهاده شد، اما قدرتهای اروپایی نیز به ایران دست اندازی کردند.

نفوذ انگلیس در هندوستان، قدرت‌یابی فرانسه و رقابت‌های قدرتهای اروپایی در زمینه‌های گوناگون سبب شدند که ایران، در مقام دروازه آسیا و مخصوصاً هندوستان و آب‌های گرم، از جنبه‌های سیاسی و نظامی در کانون توجه این قدرتها قرار گیرد؛ علاوه بر این، پیشینه تاریخی و فرهنگی ایران و زبان فارسی، سبب تقویت و تعیین این توجه می‌شد.² این دولت‌ها که از اوایل عصر صفویه به ایران روی آوردند و هر روز بر تعداد و طول مدت اقامتشان در ایران افزوده شد، غالباً به نوشتن درباره سرزمین ایران پرداخته‌اند.³ بدین ترتیب در نیمه اول قرن 13 ه.ق (قرن 19 م)، اندیشه حضور دائمی و همه‌جانبه در آسیا و آفریقا، برای فعال نگه داشتن چرخ‌های انقلاب صنعتی، از طریق تهیه مواد اولیه فراوان و ارزان و توسعه بازار فروش محصولات صنعتی، بیش از پیش تقویت شد. در

3. منوچهر دانش‌پژوه، شیراز نگینی درخشان در فرهنگ و تمدن ایران زمین، تهران: هیرمند، 1377/ حسن امداد، شیراز در گذشته و حال، شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس، 1339/ کرامت ا... افسر، تاریخ بافت قدیمی شیراز، تهران: انجمن آثار ملی، 1353/ علیرضا گلشنی، گلشن شیراز (سیری بر تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی شیراز از آغاز تا انقلاب مشروطه)، به کوشش محمدکریم خرمایی، شیراز: فرهنگ پارس، 1388/ علی سامی، شیراز شهر جاویدان، شیراز: نوید، 1363/ ندیس رایت، «مسافران انگلیسی در ایران در دوران قاجار و کتابهایشان»، مترجم محمد مروار، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال هشتم، شماره 88-89، بهمن و اسفند، 1383 / مجتبی خلیفه، «سفر به شیراز از مسیر کازرون و فیروز آباد»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره 78 و 77، اسفند 82 و فروردین، 1383.

4. لویی لانگلس، ایران فتحعلی شاهی، ترجمه ع. روح بخشان، به کوشش ایرج افشار، (تهران: کتاب روشن، 1389)، ص 9.

5. همان، ص 14.

این راستا، وضعیت جدیدی پدید آمد که ایران نیز مورد توجه جدی کشورهای استعمارگر اروپایی، به ویژه انگلستان قرار گرفت.¹ در واقع می‌توان گفت که برقراری روابط دیپلماتیک منظم با ایران در سال 1807م، (1185ش)، پایه‌گذاری شد و در تعیین فرستاده، چه از طرف وزارت خارجه‌ی انگلیس و چه از سوی کمپانی هند شرقی ضابطه‌گزینش افراد، داشتن تجربه و اطلاعات زیاد درباره شرق و چندین سال سابقه خدمت در ایران و آمادگی برای اقدامات فوری در مواقع ضروری بود و همچنین این افراد مورد نظر، در ماموریت‌های نسبتاً طولانی خدمت کرده باشند.²

انگلستان از زمان صفویان با ایران روابطی داشته و ناوگان انگلیسی در تصرف جزیره هرمز و جنگ با پرتغالیان در زمان شاه عباس اول با ایران یاری کرده است. در آغاز که انگلیسی‌ها به عنوان نمایندگان شرکت هند وارد هندوستان شدند، روابطی که با ایران داشتند ظاهراً روابط بازرگانی بود که سپس به روابط سیاسی تبدیل شد.³ در تاریخ مسافرت‌های انگلیسیان به ایران تا آغاز سده 19م، انگیزه تقریباً همه کسانی که از شرق یا غرب، شمال یا جنوب به کشور ایران آمدند، سودجویی، بازاریابی و بالاخره گسترش دامنه داد و ستد بوده است،⁴ اما از اوایل قرن 19 به این سو، اهداف سیاسی انگلیس در ایران اولویت بیشتری یافت و انگلیس برای حفظ معابر هند از خطر روسیه و فرانسه از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. بدین ترتیب محور اصلی مناسبات بین‌المللی در خاور، در اواخر قرن 18 و آغاز قرن 19م، رقابت استعماری انگلستان، روسیه و فرانسه بود. هر سه کشور تلاش می‌کردند که بر دریاها، مستعمرات و به ویژه راه‌های تجاری مسلط شوند. در این میان، این دولت‌ها برای سلطه هر چه بیشتر بر این جوامع نیاز به شناخت آن‌ها داشتند، در این قرن دانشی جدید تحت عنوان شرق شناسی به وجود آمده بود که به دول اروپایی در این راه کمک بسیاری نمود.

در اواخر قرن 18 و اوایل قرن 19م، افراد و هیئت‌های مختلفی در قالب جهانگرد، بازرگان، مامورین سیاسی - نظامی، مبلغ مذهبی و..... برای شناخت وجوه و مسائل سیاسی، اقتصادی و

6. سجاد راعی گلوجه، قاجاریه، انگلستان و قراردادهای استعماری (1273-1212ه.ق / 1875-1796م)، (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380)، ص 8.

7. لویی رابینو، دیپلمات‌ها و کنسول‌های ایران و انگلیس و نخست وزیران و وزرای امور خارجه ایران و انگلیس و سفرا و فرستادگان ایران در سایر کشورهای جهان (از آغاز تا سال 1945م)، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، (بی‌جا: تاریخ ایران، 1363)، ص 11.

8. سعید نفیسی، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر (از آغاز سلطنت قاجارها تا پایان جنگ نخستین با روسیه)، ج 2، (تهران: بنیاد، 1364)، ص 31.

9. ابوالقاسم طاهری، تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس (از دوران فرمانروائی مغولان تا پایان عهد قاجاریه)، ج 1، (بی‌جا: انجمن آثار ملی، 1354)، ص 301.

اجتماعی با اهداف متفاوتی از جمله برای پیشبرد اهداف استعماری دولت‌های متبوع خود، کنجکاوی، تفریح و غیره، به ایران آمدند و در این بین ابعاد مختلفی از حیات اجتماعی ایران را در نوشته‌ها و گزارشات خود ترسیم کردند که از جنبه‌های گوناگونی دارای اهمیت به سزائی هستند. بدین ترتیب هر یک از مأموران و کارمندان انگلیسی که وارد ایران می‌شد مشاهدات خود از مسائل گوناگونی مانند فرهنگ و زبان، آثار باستانی، نحوه زندگی مردم، آداب و رسوم، انواع خوراک و پوشاک، جزئیاتی درباره زندگی روزانه‌ی شاه و وزیران و تشکیلات اداری را در قالب سفرنامه ثبت می‌کردند تا به شناخت کاملی از مردم ایران و حکومتشان در مقابل رقبای خود فرانسه و روسیه تزاری دست یابند. قسمت‌های جنوب ایران به ویژه ایالت فارس از آنجا که راه‌های آبی اقیانوس هند و خلیج فارس مسیر اصلی ورود انگلیسی‌ها به ایران بود و آنان از طریق سواحل جنوبی ایران وارد ایران می‌شدند، از مهمترین سوژه‌های مطالعاتی انگلیسی‌ها بود، به طوری که به منطقه نفوذ انگلیسی‌ها تبدیل شد. از این رو سفرنامه‌های انگلیسی بیشترین اطلاعات را راجع به ایالت فارس به ما می‌دهند. چرا که در این دوره انگلیسی‌ها برای دفاع از هند به جنوب ایران و خلیج فارس و سایر مناطق همجوار آن، توجه ویژه‌ای داشتند تا این سرزمین‌ها را بسیار دقیق بشناسند.

سفرنامه نویسان انگلیسی

در آغاز قرن 19م، بسیاری از مسافران اروپایی به ایران آمدند و همه آن‌ها با شور و اشتیاق فراوان به نوشتن داستان مشاهدات خود پرداختند. این مسافران با ورود خود به ایران، زمینه بررسی‌های جغرافیایی و باستان‌شناسی و ادبی را فراهم کردند. در حدود 130 سال سلطنت حکومت قاجار، (1304/1174ش)، مسافران زیادی با نیت گوناگون و از کشورهای مختلف انگلستان، فرانسه، روسیه، آلمان، آمریکا، سوئد، ژاپن، بلژیک، سوئیس، مجارستان و سایر به ایران سفر کرده‌اند و حاصل سفر خود را در قالب نوشته‌های بسیار زیادی عرضه کرده‌اند.

ادبیات انگلیسی بیش از ادبیات هر کشور دیگری از سفرنامه‌ها درباره ایران عصر قاجاریه سرشار است. به این علت که در آن دوران بریتانیا بیش از هر قدرت دیگری، جز روسیه تزاری، به ایران توجه داشته است. بسیاری از مأموران رسمی آن اعم از کشوری و لشکری در ایران خدمت کرده و یا به تمامی این کشور سفر کرده بودند. چند تن از آنان کتاب‌هایی نوشته‌اند که امروزه منبع ارزشمندی برای تاریخ‌نگاران در همه زمینه‌ها به شمار می‌رود.¹ سیاحان انگلیسی در سفرنامه‌های خود در این

دوره بیشتر به شرح و توصیف شهرها و روستاها و اوضاع و احوال آن‌ها، آداب و سنن اجتماعی، آثار تاریخی و... پرداخته‌اند. شهر شیراز 5/56 درصد از سفرهای سیاحان را در دوره قاجاریه به خود اختصاص داده است و چهارمین رتبه را در تعدد سفر سیاحان به شهرهای مختلف ایران، از جمله تهران، اصفهان و قزوین، دارد.¹

مسافران انگلیسی بیشتر از دیگر مسافران اروپایی اعم از فرانسوی و روسی، در دوره قاجاریه به شهر شیراز رفت و آمد داشتند و همچنین بیش از دیگر مسافران ملیت‌های دیگر در مورد این شهر، در گزارش‌ها و نوشته‌های خود نگاشته‌اند. استان فارس چون نزدیک به بندر بوشهر بود، بر سر راه مسافران و ماموران انگلیسی قرار داشت که آن‌ها می‌بایست برای راه یافتن به دربار، از مسیر شیراز و اصفهان و... عبور می‌کردند، تا اینکه نهایتاً به تهران که پایتخت شاهان قاجاریه بود می‌رسیدند. بنابراین انگلیسی‌ها در این مسیر و در سر راه خود از شیراز این دوره نیز دیدن کردند و در رابطه با حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این شهر در گزارش‌های خود که بعدها در قالب سفرنامه نام گرفت، صحبت کرده‌اند. از جمله مشهورترین مسافران انگلیسی در این دوره می‌توان ادوارد اسکات وارینگ، ویلیام اوزلی، جیمز موریه، هنری مارتین و... را نام برد. بنابراین به طور کلی سفرنامه‌های انگلیسی‌ها دارای اطلاعات ارزشمندی از مناطق جنوبی ایران، از جمله استان فارس می‌باشد، زیرا همان‌طور که گفته شد، آن‌ها از جنوب کشور وارد می‌شدند و به همین دلیل طبیعی است که در گزارش‌های آن‌ها بیشتر به وقایع سیاسی و مسائل اقتصادی و اجتماعی جنوب کشور اشاره شده باشد.

سفرنامه ادوارد اسکات وارینگ: جهانگرد و پژوهشگر؛ 1802م، (1181ش/1217ق).

اسکات وارینگ به عنوان جهانگرد، در تاریخ 22 مه 1802م، وارد بوشهر و سپس شیراز شد و خاطرات خود را تحت عنوان «سفر به شیراز از مسیر کازرون و فیروزآباد»²، به رشته تحریر درآورد که آن را در سال 1807م، (1186ش)، در لندن به چاپ رسانید. وارینگ در این سفرنامه اطلاعات

12. ناهید بنی اقبال و آزاده حیدری، «تحلیل محتوای سفرنامه‌های ترجمه شده سیاحان انگلیسی درباره ایران»، فصلنامه دانش شناسی (علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات)، سال دوم، شماره 6، پائیز 1388، ص 19.

13. Edward Scott Waring (1807), A Tour to Sheeraz by the Route of Kazroon and Feerozabad: With Various Remarks on the Manners, Customs, Laws, Language, and Literature of the Persians, to Which is Added a History of Persia from the Death of Kureem Khan to the Subversion of the Zund Dynasty, London: Printed for T. Cadell and W. Davies, in the Strand, by W. Bulmer, and Co. Cleveland Row.

جالبی از مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور را بیان می‌کند که از هر لحاظ جالب و ارزنده است.¹ وارینگ در واقعاتشمنند و پژوهشگری است که در دستگاه اداری بنگال در کمپانی هند شرقی خدمت می‌کرده و در سال 1802م، به علت ناخوشی و کنجکاوی، 4 ماه در شیراز و پیرامون آن به سر برده است. کتاب وی نخستین مطالعه جدی از سوی یک انگلیسی در دوران قاجار بود.² اثر ادوارد اسکات وارینگ از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اشتغال این سفرنامه بر مطالب متنوع در خصوص تاریخ اجتماعی ایران، به ویژه شیراز عصر زندیه و اوایل دوره قاجاریه، توصیف دقیق مسیر رفت و آمد خود در جنوب کشور و مطالب بی شمار دیگری دارد. وارینگ در سال‌های اول سلطنت فتحعلی شاه قاجار و 8 سال پس از قتل لطفعلی خان زند از ایران دیدن کرده است. وی چند ماهی در شهرهای جنوبی ایران به ویژه شیراز به سر برده و در نهایت از آن جا عازم هندوستان شده است. او در سفرنامه اش به توصیف مناطق جنوبی کشور به ویژه فارس (شهرهای بوشهر، برازجان، دشت ارژن، شیراز، کازرون، فیروزآباد و...) پرداخته است.³ سفری به شیراز از راه کازرون و فیروزآباد با اشاره‌هایی گوناگون به مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اعم از رفتارها، مراسم، قوانین، زبان و ادبیات ایرانیان و به خصوص شیراز است، که تاریخ ایران از مرگ کریم خان تا فروپاشی دودمان زندیه به آن افزوده شده است. این کتاب منبع بسیار خوبی برای شیراز دوره مطالعه است؛ اما متأسفانه هنوز به فارسی ترجمه نشده است.

حیات اجتماعی شیراز عصر فتحعلی شاه قاجار به روایت وارینگ

فضای عمومی شهر و شهرنشینی

وارینگ می‌گوید: در ورود به شیراز از سخن کسانی که این قدر از شیراز تعریف و تمجید کرده بودند، ناامید شدم چون این شهر ارزش دیدن را دارد، اما ارزش دوباره دیدن را ندارد. وی می‌نویسد شهر خیلی بزرگ است و توسط یک دیوار احاطه شده، بر ضد سواره نظام قابل دفاع است و 6 دروازه دارد. وارینگ در توصیفش از فضای شهر می‌نویسد: «بسیاری از خیابان‌ها خیلی باریک و تنگ هستند که یک الاغ با بار چوب، اگر شما بر سوار اسب باشید راه شما را سد می‌کند(من بر اساس تجربه صحبت

14. امیری، ص 185 .

15. دنیس رایت، «مسافران انگلیسی در ایران در دوران قاجار و کتابهایشان»، مترجم محمد مروار، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال هشتم، شماره 88-89، بهمن و اسفند، 1383، ص 134 .

16. خلیفه، ص 70 .

می‌کنم) و خانه‌ها به طور کلی محقر و کثیف و زشت‌اند. ما اکنون شیراز را به صورت وضعیت بسیار نامطلوب و نامساعدی می‌بینیم. آقا محمدخان، پادشاه اخیر دیوار بلند و برج حفاظ سنگی را که از سوی ایرانی‌ها تقریباً تسخیر ناپذیر تلقی می‌شد را ویران کرد، و البته تعدادی از بهترین خانه‌ها در این مکان است که در زمان کریم‌خان توسط جوی عمیق و وسیعی احاطه شده بود، که او بر روی ویرانه برج ساخته بود. بیش‌تر ساختمان‌های عظیم و شکوهمند در معرض خرابی و ویرانی است.¹

وارینگ می‌نویسد: «آن‌ها در کنار درختان، گل‌ها و ... و گاهی اوقات ترنج‌های کوچک برای نمایش و مزین ساختن کاشته‌اند. تعدادی از مردان توانمند، استادکاران خلاق و مبتکری هستند؛ اما شرایط لازم برای پیشرفت آن‌ها واقعاً بد است، مانند اینکه آن‌ها مجبور به کار کردن برای طبقات بالای شهر بدون کوچک‌ترین امیدی برای به دست آوردن پاداش برای کار و زحمتشان مجبور هستند».² وی در ادامه صحبت‌هایش می‌نویسد که شهر شیراز به نظر می‌رسد به سرعت در حال نابودی است و بیش‌تر ساختمان‌ها و بناهای عمومی‌اش که زمانی بسیار زیاد بودند، در حال ویرانی یا بی‌توجهی است.³ وارینگ درباره‌ی نمای شهر، خانه‌ها، خیابان‌ها و ... نوشته و تقریباً احساس ناخوشایندی از منظره این شهر دارد و تنها خانه‌های اشراف و گل‌کاری‌های کنار درختان را دارای نمای خوب و زیبا می‌داند.

اصناف و طبقات اجتماعی

روحانیون

وارینگ معتقد است که عدالت به طور ناشایسته‌ای در ایران اجرا می‌شود و رشوه سریع‌ترین روش برای تأمین جبران خسارت است. وی در مورد قضاوت و دادرسی می‌نویس: «شیخ الاسلام در شیراز برای دادرسی عادلانه تعیین شده است. ایرانیان اگرچه ستیزه‌گر هستند، اما این به هیچ وجه به معنی دعوا و منازعه نیست و به ندرت اتفاق می‌افتد، اما کسانی که موجب شرارت شوند، قضات و ملاهای شهر آن‌ها را مجازات می‌کنند. مردم فقیر نیز می‌توانند چندین شکایت داشته باشند که علت شکایت می‌تواند سوءاستفاده کردن، زخمی‌شدن، و یا این باشد که یکی در روابط آن‌ها کشته شده باشد».⁴

اسکات وارینگ از نبود عدالت در ایران صحبت می‌کند و رشوه دادن و گرفتن را یکی از راه‌های

17. Waring, p., 30.

18. Ibid., p., 32.

19. Ibid., p., 17.

20. Ibid., p., 74.

رسیدن به مقصود خود می‌دانند. وی همچنین به شیخ الاسلام و فعالیت‌های او در شهر اشاره می‌کند که برای جلوگیری از جرایم و دادرسی به امور مردم، عمل می‌کند.

هنرمندان

وارینگ در مورد رقص و آواز در شهر شیراز می‌نویسد: «مردانی در شیراز وجود دارند که با وسیله‌ای شبیه به یک ویلن می‌نوازند و نوازندگان خیلی فوق‌العاده‌ای هستند، من آن‌ها را شنیدم و خیلی پسندیدم، اما نتوانستم هیچ قضاوتی در مورد اجرای آن‌ها، این مردان و رقاصان کنم. در انظار عمومی بسیار شراب می‌نوشند. اگر چه موسیقی ایرانی خیلی بهتر از هند است، اما رقص آن‌ها خیلی پایین‌تر و درجه دوم‌تر است، و چیزی بیش از یک نمایش مبتذل و حرکات نفرت‌انگیز نبود. اما با وجود این توصیفات پر شور و جالب که از ظرافت و لذت و شغف رقاصان شرقی داده شد، من باید اعتراف کنم که بسیاری از آن‌ها برای من کاملاً غیر خوشایند بود. بیش‌تر زنان زیبا در ایران علاقمند به حرفه رقاصی هستند، تناسب اندام آن‌ها عالی و بی‌نظیر است، هرزگی و شهوت‌رانی در شعرهایشان معلوم و روشن است و اشتیاق بسیار زیاد به شهوت و عشق دارند»¹. وارینگ همچنین از رقص و آواز مردم نیز سخن می‌گوید. او به طور کلی آواز خواندن و موسیقی مردم این منطقه را خیلی خوب می‌داند اما همان‌طور که خود نیز می‌گوید، رقص آن‌ها را نمی‌پسندد و با رقص مردم هند مقایسه می‌کند.

صنعتگران

وارینگ در مورد صنعتگران می‌نویسد، در ایران این طبقه، همان‌طور که در همه کشورهای دیگر است، نیز وجود دارند و با توجه به شهرتشان کار انجام می‌دهند. شیراز کارخانه بزرگی ندارد و به جز تعدادی شمشیر و شراب، آن‌ها چیز دیگری برای صادرات به بخش‌های شمالی ایران ندارند. بسیاری از صنعتگران در شیراز حرفه‌ای و مبتکرانه هستند، به خصوص در همه انواع میناکاری، که من احساس می‌کنم در اروپا هستم. این واقعاً تعجب‌آور است برای دیدن زرق و برق ملامین‌های رنگی و دقت فوق‌العاده‌ای که در کوچک‌ترین نقش‌های ریز آن‌ها شده که جنس آن‌ها بیشتر لاک، لعابی و البته گران‌قیمت هستند. آن‌ها به همان اندازه در طلا و نقره نیز خیلی خوب کار می‌کنند و در

ساخت زیور آلات برای افسار و زین مهارت دارند.¹ وارینگ از طبقه دیگر اجتماعی، به نام صنعتگران سخن می‌گوید. وی از صنایع این شهر نام برده و صنعتگران شهر شیراز را بسیار حرفه‌ای و مبتکر معرفی می‌کند.

پلیس و داروغه

وارینگ در این باره می‌نویسد: «پلیس شیراز همیشه منظم و قابل ستایش است. داروغه و یا سرپرست بازار از طرف دولت، دارای دفتری برای خود بود؛ وظیفه‌اش حل و فصل اختلافاتی است که ممکن است در بازار رخ دهد و برای رسیدگی به شکایت مردم از بازار است. داروغه بازار نیز همچنین مسئول اختلافات مردم است، و اگر او تشخیص دهد یا بفهمد که چه کسی شراب می‌نوشد و یا در جامعه فحاشی می‌کند، او آن‌ها را وادار به خرید می‌کند بدون این که کوچک‌ترین چشم پوشی در هزینه آن‌ها کند».² وارینگ همچنین از پلیس و داروغه شیراز گزارش می‌دهد و امنیت و آرامش ایجاد شده توسط آن‌ها را ارج می‌نهد. وی همچنین اشاره می‌کند که داروغه وظیفه دارد با اعمال خلاف شرع مبارزه کند و به رسیدگی و حل و فصل اختلافات بپردازد.

سنت‌ها؛ آداب و رسوم مردم شیراز

جشن مرگ خلیفه عمر

وارینگ در خصوص یکی از جشن‌های مردم شیراز به مناسبت مرگ خلیفه عمر سخن می‌گوید: «آن‌ها یک سکوی بزرگی برافراشتند، بر آن شکل و تصویری به عنوان مجسمه عمر نهادند، و تا آن جایی که می‌توانستند و ممکن بود، تا حد زیادی آن را خراب کردند و از شکل انداختند. (بد شکل و ناقص کردند). و تصویر و مجسمه را مورد خطاب قرار دادند و به خاطر گرفتن جای علی، جانشین قانونی و مشروع محمد(ص)، شروع به ناسزا گفتن و فحش دادن به آن کردند؛ آن‌ها ناگهان به تصویر و شکل با سنگ حمله کردند و آن را سوراخ کردند، تا این که آن را به صورت تکه‌ها و قطعاتی در آوردند و شکستند. در کنار مجسمه، گودی و جای تو خالی پر از گوشت‌های شیرین بود، که حریصانه توسط گروه ارادل و اوباشی که در مراسم و تشرفات حضور داشتند، با حرص و ولع خورده شد».³ اسکات وارینگ به یکی از جشن‌های ایرانیان اشاره می‌کند و آن جشن مرگ عمر

22. Ibid, p.,47.

23. Ibid, p.,67.

24. Ibid, p.,42.

است که شیعیان از این واقعه خوشحال هستند و جشن می‌گیرند و مهمانی می‌دهند. به نظر می‌رسد که این مراسم برای وارینگ عجیب و غریب است.

مردان و تفریحات

وارینگ مردان ایرانی را می‌ستاید و بسیاری از آن‌ها را در کل مهربان و خوش رو و مؤدب می‌داند. وی می‌گوید آن‌ها از حکایت و داستان‌های خنده دار گوناگون و اطلاعات قابل توجه برخوردار هستند. وارینگ همچنین در مورد تفریحات مردان می‌نویسد: «رسم و سنت آن‌ها در صحبت در مورد مسائل ادبی و تکرار شعرهایی به صورت‌های متنوع قبل از شام است و عصرهایشان را به تفریحاتی که از نظر خود آن‌ها مفید است، سپری می‌کنند. برای مثال آن‌ها بازی به عنوان کارت بازی (ورق بازی) دارند که برایشان بسیار لذت بخش است. بسیاری از مردم بزرگ گروهی از پسران گرجی را نگهداری می‌کنند که به آواز خواندن، بازی با وسایل و ابزار مختلف و انجام فعالیت شاهکارآمیز تعلیم داده شده‌اند. آهنگ‌ها و آوازهای ایرانی بسیار دلنشین و البته غم انگیز هستند و موسیقی که با صدای آن‌ها همراه می‌شد، خیلی خوب بود و آوازها و ترانه‌های آن‌ها در تحسین و تعریف می‌و زیبایی هستند، که اغلب با شکایت‌هایی از بی‌رحمی‌ها و بدرفتاری‌های معشوق و محبوب آمیخته شده است. آن چه در زیر می‌آید یک نمونه از آوازهایشان است»¹.

بیا ساقی که من مردم کفن از برگ تاکم کن
ز آب می‌بده غسلم در میخانه خاکم کن

وارینگ همچنین به شرح و توصیف تفریحات و سرگرمی مردان می‌پردازد. او در ابتدا از ویژگی‌های شخصیتی مثبت این مردم سخن می‌گوید و سپس چند نمونه از تفریحات آن‌ها را مانند آواز و موسیقی و رقص را نام می‌برد، که به گفته تو در همه آن‌ها معشوق خطاب قرار می‌گیرد.

بازی و سرگرمی

وارینگ از تفریحات دیگر مردم صحبت می‌کند و سرگرمی دیگر آن‌ها را گوش دادن به شاهنامه خوانی می‌داند و آن را به عنوان تفریح و سرگرمی فوق‌العاده‌ای معرفی می‌کند که هر بیگانه‌ای از شنیدن آن شاد می‌شود. وی می‌گوید آن‌ها انواع گوناگون شعر را با یک شهامت ویژه، خصوصاً گزارش نبرد بین رستم، قهرمان شعر و سهراب اجرا می‌کنند. وارینگ از بازی دیگری به نام تخته

نرد در میان ایرانیان که رایج است، نام می‌برد و می‌گوید آن‌ها شناخت کمی نسبت به بازی شطرنج دارند. وی بیان می‌کند که روحانیون از اشخاصی که این بازی را، به خصوص اگر بر سر پول باشد، جلوگیری می‌کنند. در ارزیابی مختصری که انجام دادم، تصور می‌کنم بیش‌تر افراد معتقد و وظیفه شناس، از آخرت آن‌هایی که کارهای خلاف دین انجام می‌دهند، بیم دارند. اسکات وارینگ از بازی دیگری به نام مسابقه اسب سواری در شیراز نام می‌برد. وی اشاره می‌کند که به دارنده مقام اول، دوم و سوم اسب سواری، طلا می‌دهند. وی همچنین می‌نویسد که آن‌ها زمان زیادی را برای تعلیم اسب‌هایشان صرف می‌کنند و حتی معتقد است که در ایران بیش از اروپا به اسب‌ها تعلیم داده می‌شود.¹ وارینگ همچنین به شرح برخی دیگر از تفریحات مردم نیز می‌پردازد. او به شاهنامه خوانی، بازی تخته نرد، شطرنج، اسب سواری و ... اشاره می‌کند و بیان می‌کند که روحانیون با برخی از این بازی‌ها مخالف هستند. وی همچنین تعلیم و تربیت اسب‌های مسابقه را در ایران بهتر از اروپا می‌داند.

باغ‌های شیراز و سرگرمی مردم

وارینگ از باغ‌های اطراف شیراز بسیار تعریف و تمجید می‌کند؛ اما کوچه‌های این باغ‌ها را باریک و کم عرض می‌داند که برای اروپائیان مشکل و آزار دهنده بوده است. وی می‌گوید: «همه ایرانی‌ها در دیدار از این باغ‌ها شاد و شادمان می‌شوند و هر چیزی آن‌ها را شاد می‌کند؛ به طوری که در مسیر جویبار می‌دوند، و به نظر می‌رسد آن‌ها مضطرب و دیوانه هستند. البته وارینگ نقل می‌کند که جای تعجبی نیست؛ در این جا آن‌ها از اضطراب و نگرانی و کارها و شغل‌های بسیار دشوار آسوده خاطر هستند و از صحبت‌هایشان لذت می‌برند. روزهایشان در قلیان کشیدن، در تفریح ماهی‌گیری، یا در گوش دادن به قصیده‌ها و چکامه‌های شاعران مختلف گذرانده می‌شود و در شب نیز از محدودیت و ممانعت آزاد هستند؛» وی می‌گوید به عقیده من این بیش‌ترین و نهایی‌ترین حد آرزوی ایرانی‌ها به خوشی و خوشبختی است.²

وارینگ به توصیف زیبایی باغ‌های شیراز نیز می‌پردازد و این که مکانی برای تفریح مردم محسوب می‌شود. وی مردم شیراز را در روز و شب و کارها و تفریحاتی که بدان مشغول هستند را

26. Ibid, pp.,55-56.

27. Ibid, p.,36.

شرح می‌دهد. وارینگ گاهی از سرخوشی زیاد شیرازی‌ها شگفت زده می‌شود و البته این مردم را خوشبخت‌ترین مردم می‌داند.

خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش خداوندا نگهدار از زوالش

نوع پوشش مردم؛ آراسته و کثیف

وارینگ در توصیف لباس ایرانی‌ها می‌گوید که لباس آن‌ها بسیار عالی و برای آب و هوای سرد یا گرم متناسب است، دست و پای آن‌ها تحت هیچ محدودیت نیستند و لباس‌های آن‌ها در مدت 5 دقیقه پوشیده یا درآورده می‌شود. ایرانی‌ها به طور کلی خیلی فقیر و بیچاره هستند که بخواهند بر اساس مد روز لباس بپوشند، بنابراین به ندرت لباس آن‌ها به جز در رنگ لباس رسمی تغییر می‌کند. قاجارها با این وجود لباسی به نام لباس قجری دارند که آراسته و منظم است. وارینگ در ادامه می‌نویسد: «من معتقدم پادشاه تنها فرد در امپراتوری است که هر نوع جواهرآلاتی می‌پوشد، او این کار را تنها در موقعیت‌های دولتی انجام می‌دهد. سنت مردان نظامی این بود که کلاه‌ها را به یک سوی سر با فشار بچسبانند (بر سر بگذارند)، میرزا یا افسران غیر نظامی یک دستمال گردن به خودشان پیچ و تاب می‌دادند و استادکار و مغازه دار و... کلاه صاف و راست می‌پوشیدند».¹ وی همچنین از لباس قجری نام می‌برد که مخصوص این دوره بوده و رواج داشته است. شال و عمامه، لباس‌های بلند و گشاد و ساده به گفته وارینگ، لباس‌های رایج مردم است. او در تعمیمی نا به جا، کل مردم ایران را کثیف و شلخته قلمداد می‌کند. وی می‌نویسد اگرچه ایرانی‌ها زیاد شنا می‌کردند (که نسبتاً یک تفریح و سرگرمی تجملی به عنوان عملی برای تمیزی و پاکیزگی است)، اما آن‌ها مردمان خیلی کثیفی هستند و به ندرت لباس‌هایشان را عوض می‌کنند.² وارینگ در ادامه می‌گوید: «لباس‌های ایرانی‌ها خیلی گران هستند، و به مبلغ 60 یا 100 گینی است؛ البته باید در تناسب با توانایی‌شان به صرف این مخارج بپردازند. مردم فقیر هیچ کلاهی نمی‌پوشند و لباس‌های خیلی کمی می‌پوشند، وقتی هوا سرد می‌شود، آن‌ها لباس‌هایی از پوست گوسفند درست می‌کنند».³

28. Ibid, pp.,57-58.

29. Ibid, p.,58 .

30. Ibid, p.,60.

وضعیت دینی - مذهبی شهر شیراز شیعیان و امام علی

وارینگ از وضعیت دینی شیراز سخن می‌گوید. وی می‌گوید: «شیعیان به پرستش و عبادت علی، جانشین پیامبر گرامی می‌پردازند و این واقعیت مردم فقیر و بیچاره است، علی در هر چیز با آن‌هاست، آن‌ها تصور می‌کنند که این نام می‌تواند به هنگام کمک خواستن به آن‌ها کمک کند، ولی بیهوده است. من به یک ایرانی که یک بار یک شیر دیده بود، این را گفته بودم، اما او با فریاد و گریه نام علی را صدا زد و شیر از او دور شد! قسم و سوگندشان در گفتن نام علی است، و به جای جستجو برای کمک و یاری از خدا، از آل مودود کمک می‌خواهند».¹ اسکات وارینگ همچنین از وضعیت دینی نیز سخن می‌گوید. وی از اعتقاد بسیار ایرانیان به امام علی (ع)، صحبت می‌کند و از این که مردم در هر کاری از ایشان یاری می‌خواهند، برایش عجیب و در عین حال این کار را پوچ و بیهوده می‌داند.

اگر ناتوانی بگو یا علی اگر خسته جانی بگو یا علی

مسلمانان و برخورد با هنرمندان

وارینگ می‌نویسد «یک مسلمان به کسی که شرایط و قابلیت آواز، بازی یا رقص را دارد، با تحقیر و تنفر شدید برخورد می‌کند. او به طور بسیار بدی ریش و کاکلش را پیچ و تاب می‌دهد، این گزارشات مربوط به افراد و شخصیت‌های جدی و کم حرف مسلمان است. حد و مرز گفتار و صحبتش، بی‌اطلاعی و نادانی در محدوده کم است و به سکوت در هنگام صحبت کردن عادت دارد، که کار خسته کننده و ناخوشایندی است. این افراد (مسلمانان)، توسط مرد شریفی چون محمد که یک شخصیت نادر و بی نظیر است تعلیم یافته‌اند. در واقع مردان عالی‌رتبه تصور می‌کنند که هر چیزی برای معروف و مشهور شدن، فاقد ارزش و دون شان است، اما در واقع این خود آن‌ها هستند که پست و فاقد ارزش هستند».² وارینگ در خصوص هنرمندان و فعالیت آن‌ها مانند رقص و آواز اشاره می‌کند و این که مسلمانان از این رفتار آن‌ها راضی نیستند. وی برخی از مسلمانان را متعصب و خشک مذهب می‌داند که هنر مردم و پیشرفت آن‌ها در فعالیت‌های هنری را بی اهمیت و بدون

31. Ibid, p.,43.

32. Ibid, p.,53.

ارزش می‌شمارند. وی همچنین در توهین به مردم مسلمان، به خاطر ایراد به هنرمندان، و کارهایی از این قبیل خود آن‌ها را پست و ناچیز می‌داند.

ویژگی‌های شرق‌شناسی از نظر مورخین

در این بخش به بررسی نگاه شرق‌شناسانه اسکات وارینگ انگلیسی در خصوص حیات اجتماعی شیراز عصر فتحعلی شاه قاجار پرداخته می‌شود. به طور کلی باید گفت که علاوه بر اطلاعات بسیار خوبی که این سفرنامه در زمینه و موضوعات اجتماعی - فرهنگی ارائه می‌دهد، بیش‌تر در سفر به ایران و برخورد با ایرانیان و همچنین مشاهده آئین‌ها و سنت‌های مردم این سرزمین، خود و فرهنگ و تمدن خود را بالاتر از ایران و از جمله شهر شیراز یافته، و در بیش‌تر موارد از خود به عنوان اروپایی، و مردم این سرزمین به عنوان شرقی یاد کرده است.

مسئله «دیگری» و شناخت «او» یکی از دغدغه‌های دیرین در تمام فرهنگ‌ها بوده است. شرق همواره در برابر غرب به عنوان دیگری تصور می‌شد که از این طریق غرب خود را تعریف می‌کرد و هویت خود را بر این اساس استوار می‌ساخت. به نظر نویسنده‌ی کتاب «شرق‌شناسی، مدرنیسم و جهانی‌شدن»، «مسئله‌ی فرهنگ‌های دیگر از زمان هرودوت به این طرف مشکل اصلی مردم-شناسی بوده است.¹ بدین ترتیب در این دیدگاه شرق به‌عنوان «دگر» غرب به تصویر کشیده می‌شود که عمدتاً «دیگری» منفی بوده است و به‌عنوان حاشیه‌ی جهان متمدن نشان داده می‌شود. شرق بخشی از طبقه بندی اخلاقی غرب بود.² «شرق‌شناسی از آغاز عبارت بوده است از مطالعه‌ی شرق توسط غربیان به عنوان «چیز دیگر»، به‌عنوان مجموعه فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی که از لحاظ جغرافیایی در جای دیگری قرار دارند... . شرق‌شناسی از آغاز مدعی آن بوده است که می‌خواهد در مهد پرورش علم با روش عینیت علمی موضوع خود را مطالعه کند و این مطالعه را خالی از اغراض، خالی از پیش‌داوری‌ها و خالی از هر نوع تصرف ذهنی انجام دهد. در این مدعا این فرض نهفته است که تنها غربی می‌تواند شرقی را به‌عنوان موضوع مطالعه پیش روی خود نهد، زیرا مسلح به سلاح علم است و شرقی چنین کاری نمی‌تواند، زیرا فاقد علم است، از این روی شرق‌شناسی داریم، اما غرب‌شناسی نداریم.³ تصویری که اروپائیان و به ویژه انگلیسی‌ها از ایران عصر قاجار ارائه داده‌اند،

33. برایان ترنر، رویکرد جامعه‌شناختی به شرق‌شناسی، پست مدرنیسم و جهانی شدن، ترجمه محمد علی محمدی، (تهران: یادآور، 1383)، ص 37.

34. ترنر، ص 23.

35. داریوش آشوری، ایران‌شناسی چیست؟.... و چند مقاله‌ی دیگر، (تهران: آگاه، 1355)، ص 9.

دارای بیاناتی متناقض است که بسیاری اوقات نیز در هم آمیخته شده است: «شرقی موهوم و خیالی، همچون سرزمین گل و بلبل، عشق‌های سحرآمیز، حرمسراهای پرماجرا، لباس‌های عجیب و غریب و مردمانی سودایی؛ و یا شرقی بربر، با مردمانی شهوت‌ران، خیانت کار، منفعل، چاپلوس و آدمکش. ادبیاتی که چنین شرقی را تصویر می‌کند، «ادبیات استعماری» نامیده می‌شود».¹

یافته‌هایی از نگاه شرق شناسی در سفرنامه اسکات و ارینگ

در این جا به برخی یافته‌های پژوهش به این نحو اشاره می‌شود که در بسیاری از روایت‌های سفرنامه و ارینگ، نسبت به حیات اجتماعی شیراز عصر قاجار، ثبت شده است. وی روایت‌های بسیاری در خصوص منش‌ها و ویژگی‌های نیک و بد ایرانیان، آئین‌ها و باورهای ملی، تفریحات و سرگرمی، آداب مهمانی‌ها و... نگاشته و بر این اساس در لابه لای توصیف‌های موجود در سفرنامه وی، می‌توان رگه‌هایی از نگاه‌های شرق شناسی را بیرون کشید. این نگاه‌ها و پیش داوری‌ها را می‌توان در قالب چند ویژگی بررسی کرد.

1. دگر سازی و دو جهان مجزا: این واژه به این معناست که دو جهان جدا از هم وجود دارد؛ غرب و شرق. سرزمین شرق، جایی دیگرگون با ویژگی‌های جداگانه است، بیننده در همه چیز به دنبال تفاوت‌ها می‌گردد و به ناچار یکی را برتر و فرادست و دیگری را در حاشیه و فرودست قلمداد می‌کند.² و ارینگ در پاره ای از گزارش‌هایشان، به ویژگی‌های منفی بیش تر اشاره کرده و به نوعی سعی بر این داشته که فرهنگ و تمدن کشور خود را بالاتر نشان دهند.

2. منفی سازی یا بزرگ نمایی منش‌های ناپسند: که به معنای تکیه بر ویژگی‌های ناپسند و برداشت بدبینانه از برخی رفتارهاست که در فرهنگی دیگر می‌تواند معنای دیگری داشته باشد. برخی از سفرنامه نویسان از منش‌های ناپسندی همچون چاپلوسی و دورویی، خرافات و خیال بافی، تنبلی و ایرانیان سخن گفته‌اند. و ارینگ در برخی از روایت‌هایش به رفتار ناپسند مردم و حکومت اشاره می‌کند. وی در واقع در روایت‌هایش بعضی از منش‌های ناپسند مردم را بسیار بزرگ جلوه داده، و بدون اینکه فرهنگ این کشور و مردم این جامعه را در نظر بگیرد در برخی موارد مرتکب قضاوت‌های عجولانه شده است.

36. فرزاد بوبانی، «جیمز موریه، حاجی بابا و ادبیات استعماری»، پژوهش زبان‌های خارجی، شماره 43، بهار، 1387، صص 12-13.

37. سعید، صص 88 و 93.

3. نیمه متمدن بودن و عقب‌ماندگی: این اصطلاح به معنای جدایی تاریخی و زمانی است. در بسیاری از موارد، سفرنامه نویسان، ملت‌ها را با گذشته اروپا سنجیده و اندیشیده‌اند که اروپائیان در دوره‌های پیشین، این گونه زندگی می‌کرده‌اند و این ملت‌ها شاید در آینده به امروز آن‌ها برسند. در این مورد از واژه‌هایی چون عقب‌ماندگی، کوه نشینی، توحش، نیمه تمدن، غیر تمدن و ... استفاده می‌کنند. وارینگ همچنین در لابه لای نوشته‌هایی که در خصوص شهر شیراز و مردم این منطقه شرح می‌دهد، گاهی به طور مستقیم یا غیر مستقیم از عقب‌ماندگی و توحش جامعه و مردم آن سخن می‌گوید و به عبارتی سعی دارد که همواره فرهنگ و تمدن جامعه اروپایی را برتر جلوه دهد.

4. غرب محوری: این اصطلاح به معنای مرکز دانستن غرب و در حاشیه دیدن دیگر ملت‌هاست. در برخی جاها درستی و نادرستی، و حتی زشتی و زیبایی، هنگام سنجش با غرب و فرهنگ خود غربیان سنجیده شده است که گویا معیار جهان، فرهنگ برتر خودی می‌باشد. وارینگ چون سیاح و جهانگرد بوده، بسیار بیشتر از دیگر مسافران در خصوص حیات اجتماعی این شهر نگاشته است. این مسافر انگلیسی در گزارش‌هایش از آداب اجتماعی و دینی شیراز، گاهی به تمسخر و تحقیر شهر و مردم اش پرداخته است. همان طور که گفته شد، وارینگ از برخی ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی مردم و حتی برخی از ارکان شهر، بسیار بد یاد کرده و ضعف آن‌ها را بزرگ جلوه داده است.

5. توهین و تحقیر: منظور از توهین و تحقیر، داشتن نگاه کوچک شمارانه رفتار یا آئینی ویژه، یا بیان ناشایستگی یک ملت در برابر ناداشته‌ها و یا دلیل عقب‌ماندگی آن‌ها می‌باشد. در واقع زمانی با بزرگ‌نمایی یک ویژگی ناپسند و زمانی به دلیل متفاوت بودن ذائقه و تربیت فرهنگی، رفتاری خوب درک نشده و به نادانی یا بیهودگی تعبیر شده است. این مسافر در یادداشت‌هایی که از شیراز نگاشته، علاوه بر برخی قضاوت‌های مثبت و بدون غرض ورزی، نکاتی را بیان کرده که بسیار جانبدارانه است و حاکی از اشاره این مسافر به فرهنگ و تمدن والای خود و توهین و تحقیر فرهنگ مردم ایران و شیراز است. برای مثال باید گفت که این سفرنامه نویس، برخی باورها و اعتقادات مردم را قبول نداشته و حتی آن را بیهوده تلقی کرده؛ همچنین وی از برخی رفتارهای مردم، احساس بی‌زاری کرده و حتی گاهی توهین و تحقیر نیز نموده است.

8. عجیب و غریب‌نمایی: در افسانه‌های غرب، خاور زمین سرزمین شگفتی‌ها پنداشته شده است. «دیگری» هرچه عجیب‌تر و افسانه‌ای‌تر باشد، متفاوت‌تر جلوه خواهد کرد. برخی پدیده‌ها در سفرنامه‌ها بزرگ‌نمایی شده و عجیب‌تر نمایانده شده است. بخشی از این ویژگی به داستانی بودن نوع سفرنامه برمی‌گردد که خواندنی‌تر به نظر بیاید. بسیاری از جهانگردان با هدف نوشتن سفرنامه‌هایی ماجراجویانه، دشواری سفر را به جان خریدند و در پی کسب نامداری در کشور خود

بودند. وارینگ انگلیسی در خصوص یادداشت‌هایی که از شهر شیراز و مردم آن ارائه می‌دهد، همواره در پی این هدف بوده که برخی از پدیده‌ها و مسائل را عجیب و غریب یا به عبارتی بزرگ جلوه دهد تا هم مخاطب بیش تری را جلب کرده و هم به مقصود خود و دولت تابعه اش که همانا برتری دادن تمدن و فرهنگ غرب است، جامه عمل ببوشاند. در این قسمت جدولی رسم شده که بر اساس آن قضاوت‌های اسکات وارینگ، را در خصوص شیراز عصر قاجار، مشخص می‌نماید که برای بهتر شدن پژوهش و آسانی مطالعه برای خوانندگان، طرح شده است.

مثبت	منفی	مدارس شیراز رو به خرابی و نابودی هستند.
ü	ü	این شهر ارزش دیدن را دارد، اما ارزش دوباره دیدن را ندارد.
ü	ü	خیابان‌ها باریک و تنگ و خانه‌ها کوچک و کثیف هستند.
ü	ü	شهر شیراز به نظر می‌رسد که به سرعت در حال نابودی است.
ü	ü	هنرمندان شیراز، نوازندگان فوق‌العاده ای هستند.
ü	ü	رقص مردم در درجه دوم بعد از هندی‌ها و بسیار مبتذل و نفرت انگیز است.
ü	ü	عدالت به طور ناشایسته در ایران اجرا می‌شود و رشوه سریع ترین روش برای جبران خسارت است.
ü	ü	شیخ الاسلام در شیراز برای قضاوت عادلانه تعیین شده است.
ü	ü	بسیاری از صنعتگران شیراز به خصوص در انواع میناکاری، حرفه‌ای و مبتکرانه هستند.
ü	ü	پلیس شیراز، همیشه منظم و قابل ستایش است.
ü	ü	تفریح و سرگرمی شاهنامه خوانی فوق‌العاده است و هر بیگانه‌ای از شنیدن آن شاد می‌شود.
ü	ü	تعلیم دادن اسب مسابقه، در ایران بسیار بهتر از اروپاست.
ü	ü	باغ‌های اطراف شیراز بسیار زیبا، اما دارای کوچه‌های باریک و کم عرض است که برای اروپائیان آزاردهنده و مشکل بوده است.
ü	ü	برخی از مردم در مسیر جویبار می‌دوند و به نظر دیوانه و مضطرب می‌آیند.
ü	ü	آن‌ها از اضطراب و نگرانی و کار و شغل‌های بسیار دشوار آسوده خاطر هستند.
ü	ü	مردم شیراز در بیش ترین نهایت خوشی و خوشبختی هستند.

لباس مردم بسیار عالی و برای آب و هوای سرد یا گرم متناسب است.	ü
مردم خیلی فقیر و بیچاره هستند که بخواهند بر اساس مد روز لباس بپوشند.	ü
اگرچه مردم زیاد شنا و استحمام می‌کنند، اما مردمان خیلی کثیفی هستند و به ندرت لباس‌هایشان را عوض می‌کنند.	ü
شیعیان به پرستش و عبادت علی، جانشین پیامبر می‌پردازند و این واقعیت مردم فقیر و بیچاره است.	ü
یک مسلمان به کسی که شرایط و قابلیت آواز، بازی یا رقص را دارد، با تحقیر و تنفر شدید برخورد می‌کند.	ü

نتیجه‌گیری

در دوران حکومت قاجاریه، گروه بسیاری از سیاحان، خاورشناسان، باستان شناسان، نظامیان، سیاستمداران، بازرگانان اروپایی و غیره، هریک با هدف خاصی به ایران سفر کردند و گزارش سفر خود را در قالب سفرنامه و خاطرات نگاشتند و دست آوردهای سفر ارزشمند خود را به مردم و دولت خود رساندند. در واقع شور و اشتیاقی که از سوی دول اروپایی برای هم پیمان شدن با دربار ایران دنبال می‌شد، نشانه اهمیتی است که این کشورها برای مناسبات خود با ایران قائل بودند. بنابراین به نظر می‌رسد که روشن کردن آداب و رسوم، سنت‌ها و چگونگی وضع منابع ملی سرزمینی که برقراری پیمان مشترک دفاعی و تهاجمی با آن تا این اندازه مهم شناخته شده است، می‌تواند بسیار مفید باشد. سیاحان و سفرنامه نویسان، نقش واسطه فهم «دیگری فرهنگی» را ایفا کرده‌اند. سفرنامه‌ها مهم‌ترین واسطه‌های تجربه میان فرهنگی، به خصوص در حیطه بین تمدنی محسوب می‌شوند. این منابع، بیش از آن که دیگری، یعنی شرقی و ایرانی را به نمایش بگذارند، خود عامل فهم، یعنی سنت غربی را در درک دیگری به نمایش می‌گذارند. با وجود همه معایب و کاستی‌ها، غرض‌ورزی، کلی‌سازی و تعمیم دادن، منفی‌سازی و غیره، سفرنامه وارینگ به‌عنوان یکی از معتبرترین و مهم‌ترین منابع تاریخی دوره قاجار محسوب می‌شود. این سفرنامه که در رابطه با شیراز دوره قاجار نگاشته شده، همان‌طور که قابلیت‌ها و والایی گوهر ذاتی شیراز و مردم این منطقه را ستایش نموده، به همان نسبت نیز از معایب این خطه، مردم و وضعیت اجتماعی - فرهنگی پرداخته است.

وارینگ، سفرنامه‌نویس انگلیسی، در گزارش‌های خود از شهر شیراز در دوره قاجاریه، به مسائل و موضوعات مختلف و متنوع اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و تاریخی توجه داشته است. در زمینه مسائل اجتماعی که موضوع پژوهش است، به‌طور مفصل سخن گفته است؛ به

عبارت دیگر این مسافر در دیدار از این شهر و برخورد با حکام و مردم، سعی کرده به کوچکترین مسائل نیز توجه کرده و در اثر خود آن را به دقت بازگو کند. برای مثال، وی از آداب و رسوم؛ اعتقادات؛ مذهب؛ صنایع؛ قضاوت و دادرسی؛ مهمانی‌ها و پذیرایی؛ محلات شهر؛ تفریحات و سرگرمی؛ لباس؛ ارکان نظامی؛ موسیقی و آواز؛ اقلیت‌های دینی؛ اصناف؛ شهرنشینی و بسیاری از موارد دیگر سخن گفته است. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که روایت‌های این سیاحتگر بنا به هر انگیزه و هدفی که از شیراز دوره قاجار دیدن کرده و نگاشته، مهم و ارزشمند است و پژوهشگران را در عرصه شناخت تاریخ اجتماعی این منطقه یاری می‌سازد. به هر حال، فرهنگ و تمدن ایرانی یکی از «دیگری»‌های کهن برای سنت غربی بوده است، که از زمان‌های قدیم می‌توان آن را جستجو کرد.

می‌توان نتیجه گرفت که این مسافر انگلیسی روایت‌های بسیار زیاد و متنوعی از شیراز دوره قاجاریه نقل کرده است؛ به عبارت دیگر شاید بتوان این‌گونه گفت که، با توجه به موقعیت استراتژیک شیراز در نزدیکی به جنوب و از آن طریق نزدیکی به هند، مستعمره بریتانیا، مسافران انگلیسی از شمار بیشتری برخوردار بوده و صاحب تالیفات بیشتری هستند. آنها در مسیر بوشهر به تهران برای رسیدن به پایتخت و دیدار با پادشاه وقت، بارها از شیراز عبور کرده و یا در آنجا اقامت گزیده و توجه خود را به شناخت اوضاع شیراز معطوف داشته‌اند، در نتیجه مطالب و گزارش‌های ارائه شده توسط آنها هم بیشتر و هم متنوع تر و گاهی دقیق تر است. این سفرنامه‌نویس گرچه در مواردی نگاه ستایشگر و احترام آمیزی به به فرهنگ ایران، اصالت و کهن بودن تاریخ و شکوه و تمدن و نژاد ایرانی داشته، به آیین‌ها و باورهای ملی توجه کرده و در نگاشته‌های خود هم جنبه‌های مثبت و هم منفی آن‌ها را شرح داده‌اند اما نگاه شرق شناسانه خود را در توصیف حیات اجتماعی شیراز همواره حفظ کرده است.

کتابنامه

- آشوری، داریوش. **ایران شناسی چیست؟ و چند مقاله‌ی دیگر**. تهران: آگاه، 1355.
- امداد، حسن. **شیراز در گذشته و حال**. شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس، 1339.
- افسر، کرامت ا... . **تاریخ بافت قدیمی شیراز**. تهران: انجمن آثار ملی، 1353.
- ترنر، برایان. **رویکرد جامعه‌شناختی به شرق‌شناسی، پست مدرنیسم و جهانی شدن**. ترجمه محمدعلی محمدی. تهران: یادآوران، 1383.

دانش پژوه، منوچهر. **شیراز نگینی درخشان در فرهنگ و تمدن ایران زمین**. تهران: هیرمند، 1377.

رایت، دنیس. **نقش انگلیس در ایران**. ترجمه فرامرز فرامرزی. تهران: فرخی، 1361.
راعی گلوچه، سجاد. **قاجاریه، انگلستان و قراردادهای استعماری (1273-1212ه.ق/ 1875-1796م)**. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380.

رایینو، لویی. **دیپلمات‌ها و کنسول‌های ایران و انگلیس و نخست وزیران و وزرای امور خارجه ایران و انگلیس و سفرا و فرستادگان ایران در سایر کشورهای جهان (از آغاز تا سال 1945م)**. ترجمه غلامحسین میرزا صالح. بی جا: تاریخ ایران، 1363.

سعید، ادوارد. **شرق شناسی**. ترجمه لطفعلی خنجی. تهران: امیرکبیر، 1386.
طاهری، ابوالقاسم. **تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس (از دوران فرمانروائی مغولان تا پایان عهد قاجاریه)**. ج 1. بی جا: انجمن آثار ملی، 1354.

گلشنی، علیرضا. **گلشن شیراز (سیری بر تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی شیراز از آغاز تا انقلاب مشروطه)**، به کوشش محمد کریم خرمایی، شیراز: فرهنگ پارس، 1388.

لانگس، لویی. **ایران فتحعلی شاهی**. ترجمه ع. روح بخشان. به کوشش ایرج افشار. تهران: کتاب روشن، 1389.

نفیسی، سعید. **تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر (از آغاز سلطنت قاجارها تا پایان جنگ نخستین با روسیه)**. ج 2. تهران: بنیاد، 1364.

مقالات

بوبانی، فرزاد. «**جیمز موریه؛ حاجی بابا و ادبیات استعماری**». پژوهش زبان‌های خارجی. شماره 43. بهار 1387.

بنی‌اقبال، ناهید و آزاده حیدری. «**تحلیل محتوای سفرنامه‌های ترجمه شده سیاحان انگلیسی درباره ایران**»، فصلنامه دانش شناسی (علوم کتابداری و اطلاع رسانی و فناوری اطلاعات)، سال دوم، شماره 6، پائیز 1388.

خلیفه، مجتبی. «**سفر به شیراز از مسیر کازرون و فیروز آباد**». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره 78 و 77. اسفند 82 و فروردین، 1383.

رایت، دنیس. «**مسافران انگلیسی در ایران در دوران قاجار و کتابهایشان**». مترجم محمد مروار. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. سال هشتم. شماره 89-88، بهمن و اسفند 1383.

_____ . «مسافران انگلیسی در ایران در دوران قاجار و کتابهایشان». مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. شماره 4_233. بهمن و اسفند 1385.

لاتین:

Edward Scott Waring, *A Tour to Sheeraz by the Route of Kazroon and Feerozabad: With Various Remarks on the Manners, Customs, Laws, Language, and Literature of the Persians, to Which is Added a History of Persia from the Death of Kureem Khan to the Subversion of the Zund Dynasty*, London, Printed for T. Cadell and W. Davies, in the Strand, by W. Bulmer, and Co. Cleveland Row. 1807

William Monteith, «*Note On The Routes From Bushire To Shiraz*», *Journal Of The Royal Geographical Society Of London*, London, Vol. 27, 1857.

